

اقتصاد فرهنگ در ایران (هنرهای نمایشی)

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۳۴۰۳

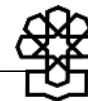
دی ماه ۱۳۹۲

دفتر: مطالعات فرهنگی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	اقتصاد فرهنگ و هنرهای نمایشی
۵	جایگاه هنرهای نمایشی در اقتصاد کشور
۱۵	چالش‌ها
۲۱	جمع‌بندی
۲۴	راهکارها و پیشنهادات
۲۵	منابع و مأخذ



اقتصاد فرهنگ در ایران (هنرهای نمایشی)

چکیده

هنرهای نمایشی که دربردارنده گونه‌های مختلفی است، به‌عنوان یکی از حوزه‌های قدیمی و مؤثر در بخش فرهنگ شناخته شده است. با آنکه سیاست‌ها و قوانین موجود در کشور زمینه مساعدی برای نقش‌آفرینی اقتصاد فرهنگ در اقتصاد ملی فراهم آورده، اما این هنر به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ تاکنون نتوانسته است در سطح کشور نقش مناسبی را ایفا نماید و جایگاه درخوری را در سیاستگذاری‌های مربوط به اقتصاد ملی به‌دست آورد. بخشی از این ضعف ناشی از چالش‌هایی است که برآمده از شرایط محیطی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) است و بخشی دیگر نیز ناشی از ویژگی‌های خاص این حوزه است. برای عبور از این چالش‌ها ضروری است، با ایجاد سیستم متمرکز گردآوری اطلاعات و داده‌های مربوط به صنعت هنرهای نمایشی، تعیین تئوری مناسب اقتصادی برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری، با حفظ و صیانت از محتواهای فرهنگی و هنری، توجه به منابع غنی دینی و ملی برای تولید آثار هنری که مورد توجه مخاطبان گسترده‌تری نیز قرار گیرد، قائل شدن شأن و جایگاه مناسب برای هنرهای نمایشی در توسعه اقتصادی و افزایش سرانه ملی، هدایت کمک‌های دولتی به سمت توسعه زیرساخت‌های مربوط به صنعت هنرهای نمایشی و تمرکززدایی فعالیت‌ها از شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران و توزیع مناسب ابزار و تجهیزات مربوط به هنرهای نمایشی در کل کشور و کمک به پرورش استعدادها موجود در شهرهای کوچک، به صنعت هنرهای نمایشی رونق بیشتری داده شود.

مقدمه

سال ۱۳۹۲ ازسوی مقام معظم رهبری سال حماسه سیاسی و اقتصادی نام گرفته است. ایجاد حماسه اقتصادی از ابعاد مختلفی قابل دستیابی می‌تواند باشد که یکی از آنها بخش فرهنگ است. فرهنگ خود از دو جهت می‌تواند به خلق حماسه اقتصادی کمک کند. از یکسو ارزش‌های جدیدی را به‌وجود آورد که همسو با آفرینش این حماسه است و ازسوی دیگر می‌تواند با توجه به فعالیت‌های

گسترده تولیدی که در این بخش انجام می‌پذیرد نقش درخوری در اقتصاد ملی و در پس آن حماسه اقتصادی داشته باشد. بخش فرهنگ از حوزه‌های مختلفی تشکیل شده که شامل هنرهای نمایشی، سینما، هنرهای تجسمی و موسیقی است. هریک از آنها توان آن را دارد که در حماسه اقتصادی بخش فرهنگ نقش‌آفرینی کند. این گزارش برای آنکه کمکی برای دستیابی به هدف یاد شده کرده باشد، در نخستین گام خود به توصیفی از وضعیت هنرهای نمایشی پرداخته و تلاش نموده به این سؤالات پاسخ دهد که وضعیت موجود صنعت هنرهای نمایشی در کشور چگونه است؟ مهمترین موانع بالندگی این هنر در عرصه اقتصاد ملی چیست؟ چه پیشنهاد‌های کاربردی و اجرایی برای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف آن در کشور می‌توان ارائه کرد؟ و چه جایگاهی می‌توان برای این صنعت در سال حماسه اقتصادی قائل بود؟

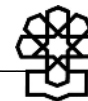
در این گزارش با مروری بر آمار و اطلاعات موجود و تحلیل از آن ترسیمی از وضع موجود ارائه شد و سپس با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و مطالعات در دسترس عمده‌ترین چالش‌ها احصا شدند. در پایان با نگاهی به اقداماتی که در حوزه سیاست‌گذاری و تقنین انجام شده، رویکرد کلی حاکمیت نسبت به اقتصاد هنر مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن چند پیشنهاد و نکته قابل توجه برای نمایندگان محترم ارائه گردید.

نتایج این پژوهش می‌تواند در امر شناخت وضعیت موجود و برنامه‌ریزی در جهت بهبود وضعیت کنونی به سازمان‌های متولی و سیاستگذار در امور فرهنگی کشور نیز کمک نماید.^۱

اقتصاد فرهنگ و هنرهای نمایشی

فرهنگ به‌عنوان مهمترین زیرساخت و نظام زندگی انسان‌ها اهمیت قابل توجهی در سیاست‌های عمومی دارد. آثار فرهنگ بر جوامع از جوانب مختلفی مورد نظر سیاستگذاران است. امروزه به لطف گسترش و توسعه فرهنگ در ابعاد مختلف محتوایی و تکنیکی و تبدیل برخی مقولات آن به‌عنوان صنعت، اهمیت خاصی در نظام اقتصادی کشورها یافته است. برخی از کشورها مانند انگلستان، آمریکا و چین که ۴۰ درصد از تولیدات در تجارت جهانی فرهنگ را در سال ۲۰۰۲ تولید کرده‌اند، به ترتیب ۸/۵، ۷/۶ و ۵/۲ میلیون دلار صادرات کالاهای فرهنگی داشته‌اند. بر همین اساس رشد جهانی صنایع خلاقانه و فرهنگی از ۳۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ به ۶۰ میلیون دلار در سال

۱. لازم به ذکر است که در این گزارش از نظریات و همکاری این افراد بهره برده شد؛ آقایان یوسف صدیق، شهرام کرمی، مختار شبرنگ، نصراله قادری، مهدی شفیعی، هومن اخلاقی و خانم‌ها معصومه رامشینی، زهرا جعفرپور و مرجان گنج‌بخش تهرانی.



بی‌شک، جذابیت و اهمیت اجتماعی - فرهنگی و سیاسی کالاها در اقتصاد فرهنگ بیش از درآمد حاصل از فروش آن است. با این حال کارکرد اقتصادی آن در چند بعد مورد توجه است؛ اشتغال‌زایی، افزایش تولید ناخالص ملی و داخلی و رونق اقتصاد محلی. کالاهای فرهنگی را می‌توان بر دوگونه تقسیم کرد:

۱. **براساس معیار انتشار:** برخی از کالاهای فرهنگی و کار هنری که در مقیاسی کوچک تولید شده، با استفاده از روش‌های صنعتی به شکل نسخه‌های فراوان (کتاب، کپی، آثار هنری، صفحه‌های دیجیتالی) تکثیر می‌شود. در کالاهای دیگر، کار آفرینش یک اثر در عمل از همان ابتدا یک محصول صنعتی است (سینما یا تلویزیون)؛ برخی از آثار هنری به هیچ وجه امکان انتشار به صورت ذاتی ندارد و تنها از طریق استفاده مستقیم مخاطب و به عبارتی مصرف‌کننده «معنادار» می‌شوند. این‌گونه آثار با اجرای زنده و حضور بدون واسطه مصرف‌کننده تولید و عرضه می‌شوند (هنرهای نمایشی).

۲. **براساس معیار انتخاب:** کتاب، لوح‌های فشرده صوتی و تصویری به مصرف‌کننده امکان می‌دهد که در میان محصولات گوناگون دست به انتخاب بزند؛ هرگاه مناسب بداند آنها را مورد استفاده قرار می‌دهد، قرض می‌دهد، قرض می‌گیرد و از آنها رونوشت‌برداری می‌کند و مورد استفاده دوباره قرار می‌دهد. در این دسته از محصولات، شخصیت ناشر نقش مهمتری دارد و عرضه مهمتر از تقاضاست؛ درحالی که در صنایع فرهنگی انبوه، تقاضا بر عرضه مقدم است. مانند شعر، موسیقی، فلسفه. در دسته سوم اثر هنری یکبار تولید و در همان بار مصرف شود و استفاده دوباره نیازمند تولید دوباره است، مانند هنرهای نمایشی، فیلم، رادیو و تلویزیون ممکن است شمار بینندگان یا شنوندگان هزار یا ده‌هزار نفر بیشتر باشد، اما امکان انتخاب در بین آنها بسیار محدود است و قابل تولید دوباره نیست. تولید بیشتر شبیه تولید محصولاتی است که مصرف انبوه دارند، ولی بیشتر جنبه گذرا داشته، به سرعت منسوخ می‌شوند و از طریق تبلیغ با مصرف دیگر کالاهای غیرفرهنگی مرتبط هستند.

هنرهای نمایشی که موضوع این گزارش است، به‌عنوان حوزه‌ای از بخش فرهنگ، عمری دراز دارد و در گوشه و کنار جهان از شکل‌های ساده نمایش‌های عمومی سرگرم‌کننده و نمایش‌های عروسکی گرفته تا نمایش‌های حرفه‌ای که تنها مخاطبان خاص خود را دارد، گسترده است. در صنایع فرهنگی هنرهای نمایشی را باید یک هنر غیرصنعتی - که قابلیت انتشار آن بسیار محدود است - و از گونه انتخاب‌ناپذیر برشمرد.

در مورد چپستی این گونه از هنر باید گفت که طبق ماده (۱) آیین‌نامه نظارت بر نمایش و

صدور پروانه نمایش^۱ مقصود از نمایش اجرای هرگونه تئاتر ایرانی و خارجی از جمله نمایش‌های مذهبی، سنتی، شادی‌آفرین و تفریحی با زمان‌های کوتاه، متوسط و طولانی است. به عبارتی روشن‌تر مقوله هنرهای نمایشی شامل تئاتر، شبیه‌خوانی، پرفورمانس (هنر نمایشگون)، سرگرمی‌های نمایشی (سیرک، تردستی، تقلید صدا، طنزگویی)، نمایش‌های عروسکی و نمایش موزیکال است. زمینه‌های فعالیتی در این مقوله عبارتند است: نمایشنامه‌نویسی، طراحی صحنه و لباس، بازیگری، کارگردانی و ساخت موسیقی.

حرکت چرخه اقتصادی هنرهای نمایشی در غالب گونه‌های فوق‌الذکر معمولاً با ارائه پیش‌طرح و یا متن نمایشنامه‌ای که قرار است به اجرا درآید، آغاز می‌شود، که پس از تصویب در مبادی نظارتی و کسب مجوزهای لازم در سن‌ها و سالن‌های نمایش اجرا و ارائه می‌گردد.

در مورد اهمیت هنرهای نمایشی در اقتصاد به بهره‌گیری از نظریه ریچارد فلوریدا توسط کراوس کوپ و همکاران (۲۰۱۰) اشاره می‌شود. آنها در سطح شهرهای کلان آلمان در طول ۱۰ سال از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ سعی در عملی کردن نظریه ریچارد فلوریدا بوده‌اند. «آنها ابتدا بخش نظری را شرح داده و در قسمت بعدی توسعه تئاتر و ساختار جمعیتی و کاری این شهرها را بررسی کرده‌اند. سپس اطلاعات جمع‌آوری شده مورد استفاده قرار گرفت تا رابطه ممکن میان متغیرهای تئاتر و رشد اقتصادی (براساس مالیات خالص شهرداری) مورد تحقیق قرار گیرد. نتایج حاکی از آن بود که بین رشد تعداد بازدیدکنندگان تئاتر و افزایش مالیات رابطه وجود دارد. این یافته‌ها تئوری فلوریدا را مبنی بر اینکه ابعاد طبقه خلاق بر رشد اقتصادی یک منطقه تأثیر می‌گذارند تأیید می‌کند»^۲.

اهمیت اقتصاد هنرهای نمایشی و به‌صورت خاص تئاتر از سوی دیگر بر رونق اقتصاد محلی و بالا بردن میزان اشتغال‌زایی مورد توجه قرار گرفته و از عوامل مؤثر در سرمایه‌انسانی و ایجاد همگرایی اجتماعی به‌شمار می‌آید.^۳

در ادامه به وضعیت اقتصاد هنرهای نمایشی در کشور نگاهی خواهد شد تا جایگاه این هنر در اقتصاد ملی بهتر فهم شود.

۱. مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۲/۶.

۲. برگرفته از: پیش‌طرح مربوط به گستره پژوهشی اقتصاد هنر و شاخه‌های مختلف آن، مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق (ع).

۳. قطب‌الدین صادقی، اقتصاد تئاتر ایران، مجله هنر، ش ۳۴، ص ۵۴، زمستان ۱۳۶۷.



جایگاه هنرهای نمایشی در اقتصاد کشور

در اینجا توصیف وضع موجود جایگاه هنرهای نمایشی در اقتصاد کشور با توجه به تولید، عرضه و تعداد مشتریان، انجام خواهد شد. در این توصیف لازم است به چند نکته توجه داشت؛ نخست اینکه توصیف تنها در خصوص تئاتر است، زیرا از وضعیت بخش‌های دیگر هنرهای نمایشی آمار رسمی و حتی غیررسمی دقیقی در دسترس نیست. بنابراین هر آنچه در این بخش از وضعیت صنعت هنرهای نمایشی ارائه خواهد شد، توصیف وضعیت تئاتر خواهد بود.

- از سوی دیگر و با توجه به اینکه تولیدات نمایشی در کشور به چهار دسته تجاری - مردمی، دانشجویی، هنری - حرفه‌ای و جشنواره‌ای^۱ تقسیم شده است، از این جهت نکته دیگر آن است که طبق تبصره «۲» ماده (۳) سیاست‌های هنرهای نمایشی^۲ نظارت بر اجرای نمایش در داخل مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی کشور و نیز جشنواره‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تئاترهای تلویزیونی از ذیل نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مستثنا هستند. لذا مرکز هنرهای نمایشی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تنها به ارائه آمارهایی می‌پردازد، که بر آنها نظارت دارد.

- فعالیت‌های هنری دانشجویی و دانش‌آموزی بیشتر جنبه ترویجی و آموزشی دارد و جنبه کسب درآمدی و اشتغال‌زایی آن بسیار اندک است. از این جهت ارائه آمار از وضعیت آنها چندان به کار تبیین اقتصاد هنرهای نمایشی نخواهد آمد.

۱. تولید

یکی از شاخص‌های تبیین وضعیت فعالیت‌های تولیدی در صنعت هنرهای نمایشی، تعداد نمایش‌های تولید شده است. با حضور کارگزاران تولیدی هنرهای نمایشی مانند ارائه‌دهنده طرح و ایده، نمایشنامه‌نویس، طراح صحنه، بازیگر، کارگردان و سازنده موسیقی، یک نمایش شکل می‌گیرد. آمارها نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱ تعداد نمایش‌های تولیدی توسط این کارگزاران ۴۵۶۱۱ مورد بوده که ثمره صنعت هنرهای نمایشی طی این مدت به حساب می‌آوردند.

باید دانست که آمار ارائه شده در جدول زیر تنها ناظر بر تعداد مجوزهایی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر کرده و دربردارنده همه فعالیت‌های هنرهای نمایشی توسط دستگاه‌های دیگر (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش، صداوسیما و...) نمی‌باشد.

۱. همان، ص ۵۴.

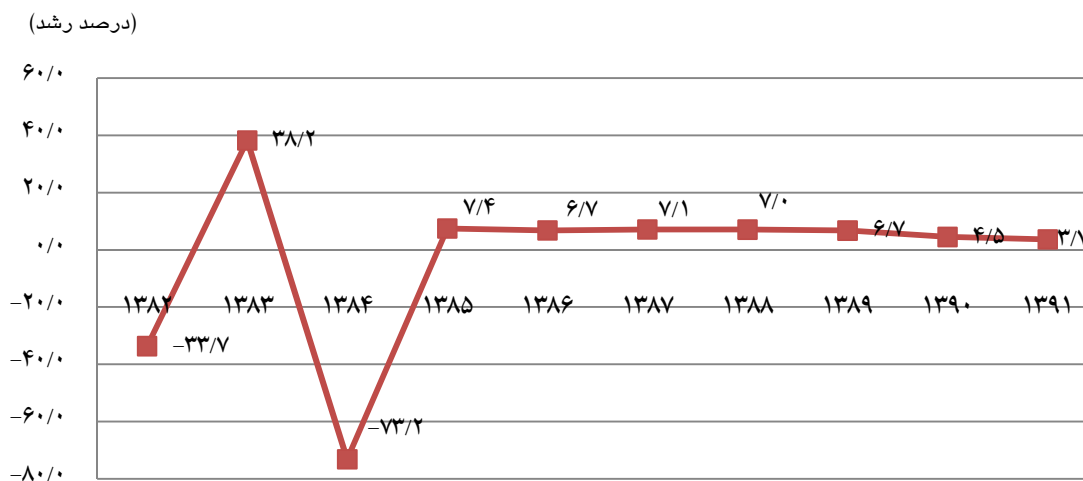
۲. اصلاحی در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۱ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی.

جدول ۱. تعداد نمایش‌های تولید شده در سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱

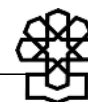
سال	تعداد نمایش تولیدی
۱۳۸۱	۴۴۸۴
۱۳۸۲	۳۳۵۴
۱۳۸۳	۵۴۲۵
۱۳۸۴	۳۱۳۲
۱۳۸۵	۳۲۸۳
۱۳۸۶	۳۶۲۷
۱۳۸۷	۳۹۰۳
۱۳۸۸	۴۱۹۹
۱۳۸۹	۴۵۰۱
۱۳۹۰	۴۷۱۲
۱۳۹۱	۴۸۹۱
مجموع	۴۵۶۱۱

چنان‌که در نمودار ذیل نشان داده خواهد شد، سیر رشد قابل توجهی طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ (بجز در مقطع سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴)، مشاهده نمی‌شود و دارای روند صعودی بسیار ملایم است.^۱

نمودار ۱. روند رشد تولیدات نمایشی طی سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱



۱. درخصوص این نوسان شدید در این نمودار چند نکته قابل توجه است که ازسوی کارشناسان مرکز هنرهای نمایشی بیان شده است، پایین بودن تعداد تولیدات سال ۱۳۸۲ به خاطر آن است که در سال قبل از آن در آمار تولید، تولیدات جشنواره‌ها هم به کل تولیدات اضافه شد که در سال بعد تکرار نشد. در سال ۱۳۸۳ با توجه به شعار «تئاتر برای همه» به‌صورت گسترده‌ای تولیدات افزایش یافت. در سال ۱۳۸۴ به‌دلیل تغییرات در مدیران (به‌دلیل تغییر دولت) حمایت از تولیدات کم شد و میزان تولید هم پایین آمد.



۲. عرضه

عرضه تولیدات صنعت هنرهای نمایشی به دلیل ویژگی ذاتی این هنر به صورت زنده و ارتباط رودررو با مشتریان است. به عبارتی مشتریان با حضور در مراکز عرضه (سالن‌های نمایشی) با تولیدات ارتباط برقرار کرده و استفاده می‌کنند. از این رو تعداد دفعات اجرای نمایش را نیز به عنوان سنجش برای ارزیابی میزان عرضه تولیدات در این صنعت به حساب می‌آورند. از این جهت طی سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۵۱۸۱۸۹ اجرای نمایش در کشور ثبت شده است.

جدول ۲. تعداد دفعات اجرای نمایش‌ها در سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱

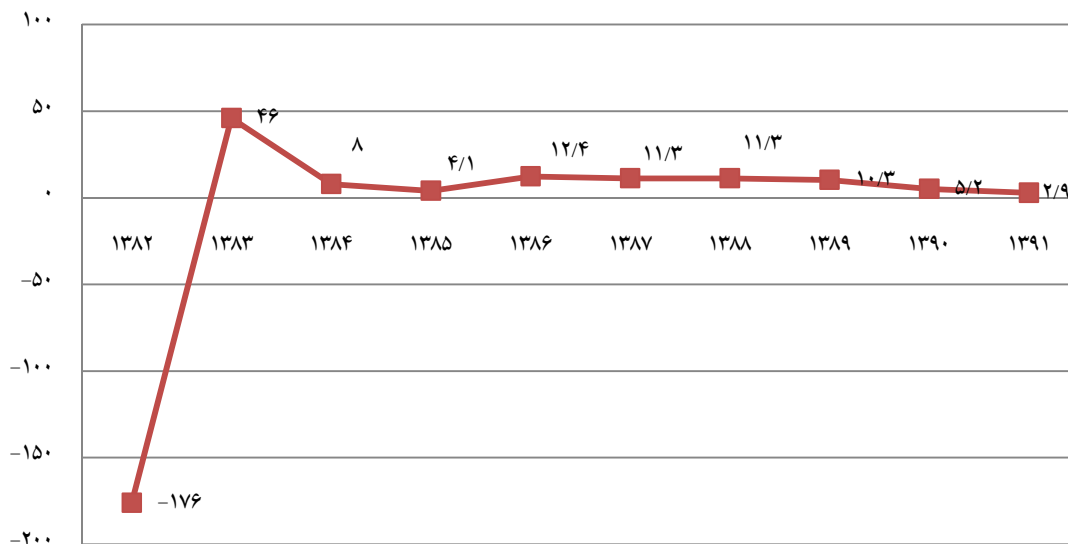
سال	دفعات اجرا
۱۳۸۱	۵۰۲۲۴
۱۳۸۲	۱۸۱۹۶
۱۳۸۳	۳۳۶۷۵
۱۳۸۴	۳۶۵۸۶
۱۳۸۵	۲۸۱۳۱
۱۳۸۶	۴۳۵۲۴
۱۳۸۷	۴۹۰۴۴
۱۳۸۸	۵۵۲۸۱
۱۳۸۹	۶۱۶۲۳
۱۳۹۰	۶۴۹۹۷
۱۳۹۱	۶۶۹۰۸
مجموع	۵۱۸۱۸۹

روند رشد میزان عرضه تولیدات صنعت هنرهای نمایشی بجز اُفت اندک در سال ۱۳۸۵، در سال‌های اخیر سیر نزولی پیدا کرده، که بسیار قابل تأمل است. در این وضعیت، به مانند میزان تولید، شاهد روندی نسبتاً نزولی و بسیار ملایم هستیم که رابطه مستقیم میزان تولید و عرضه را نشان می‌دهد.^۱

۱. در سال ۱۳۸۱ تولید افزایش قابل توجهی داشت و در سال ۱۳۸۲ نسبت به آن کاهش یافت، تعداد اجرا نیز به تبع آن کاهش چشمگیری پیدا کرد.

نمودار ۲. روند رشد عرضه تولیدات نمایشی طی سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱

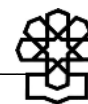
(درصد رشد)



از آنجایی که مشتریان با حضور در سالن‌های نمایشی از اجراها بهره می‌برند، تعداد مشتریان این کالای هنری با تعداد تماشاگرانی که در سالن‌ها حضور می‌یابند، سنجیده می‌شود. براین اساس در ادامه آماری از وضعیت تعداد مشتریان صنعت هنرهای نمایشی ارائه خواهد شد. در سال‌های اخیر شاهد تعداد تماشاگران بیشتری هستیم که در سالن‌های نمایش حضور یافته‌اند. چنان‌که از سال ۱۳۸۹ تعداد مشتریان تئاتر به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده است. هرچند رقم بالایی نمی‌تواند به حساب آید، اما به هر حال داشته‌های صنعت هنرهای نمایشی همین مقدار است. البته این به معنای رضایت از این امر نیست.

جدول ۳. تعداد تماشاگران نمایش‌ها در سال‌های ۱۳۸۳ - ۱۳۹۱

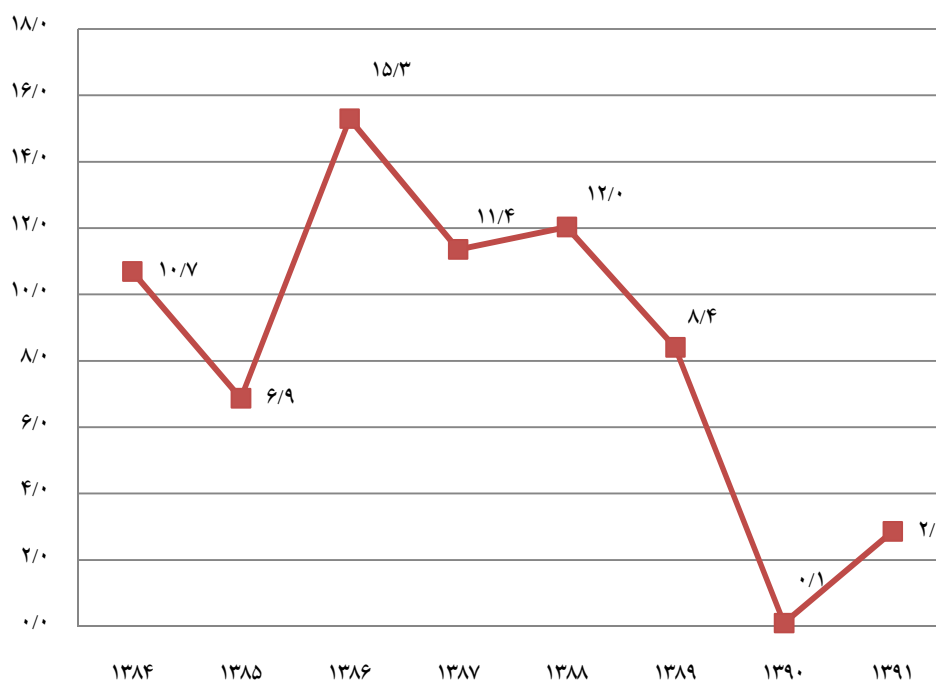
سال	تماشاگران (هزار نفر)
۱۳۸۳	۱۰۷۸
۱۳۸۴	۱۲۰۷
۱۳۸۵	۱۲۹۶
۱۳۸۶	۱۵۳۰
۱۳۸۷	۱۷۲۶
۱۳۸۸	۱۹۶۲
۱۳۸۹	۲۱۴۲
۱۳۹۰	۲۱۴۴
۱۳۹۱	۲۲۰۸



طی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ رشد تعداد مشتریان تئاتر به نسبت مناسب است. اما در سال ۱۳۸۹ بالاترین تعداد آنها را شاهدیم، ولی پس از آن افت قابل ملاحظه‌ای به وجود می‌آید.

نمودار ۳. روند رشد تعداد مشتریان نمایشی طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۹

(درصد رشد)



با توجه به تولیدات هنرهای نمایشی و نسبت آن با تعداد تماشاگران طی سال‌های مورد بررسی باید گفت که برای هر نمایش تولید شده به صورت متوسط ۱۱ بار به اجرا درآمده و ۳۰۴ نفر مشتری وجود داشته است.

تعداد تماشاگران تئاتر هم در سال‌های اخیر روندی نزولی پیدا کرده که همخوان با تولیدات و دفعات اجرا بوده است.

۳. زیرساخت‌ها

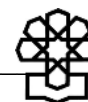
سالن‌های تئاتر به عنوان مکان اصلی عرضه آثار هنرهای نمایشی، در سطح کشور چندان تعداد روشنی ندارد. از یکسو سالن حرفه‌ای و تخصصی برای این حوزه (بجز در مواردی خاص) چندان تعریف شده نیست. از سوی دیگر اجراهای تئاتر بیشتر در سالن‌های عمومی و چندمنظوره است. با این حال در شهر تهران چند سالن وجود دارد که برخی از آنها به صورت اختصاصی برای تئاتر

می‌باشند: سالن‌های ۸۰ تا ۱۲۰ نفره مجموعه تئاتر شهر (تالار چهارسو، تالار قشقایی، تالار خانه خورشید، تالار سایه، تالار نو و تالار کوچک) و تالار اصلی آن (با ۵۸۰ نفر ظرفیت) به‌عنوان تخصصی‌ترین سالن‌ها و تالارهای هنر، اندیشه، پارس، جوان، رودکی، دماوند، فرهنگ، کسری، محراب، مولوی، نصر، سنگلج و تماشاگه تاریخ، تماشاگه مهر، سالن نمایش کانون پرورش فکری و تماشاخانه ایرانشهر، از دیگر سالن‌های تئاتری در شهر هستند. علاوه‌بر آن باید به سالن‌های دیگری مانند سالن‌های فرهنگسراها اشاره کرد که به‌صورت چندمنظوره از آنها استفاده می‌شود. در ادامه آماری از پراکندگی سالن‌های نمایشی در کشور نشان داده خواهد شد. که در این میان استان فارس دارای بیشترین (۴۸ سالن) و خراسان شمالی (۱ سالن) کمترین سالن را دارند.

جدول ۴. وضعیت پراکندگی سالن‌های نمایشی در کشور به تفکیک استان‌ها^۱

مناطق / استان‌ها	تعداد کل	تماشاخانه	سینما - تئاتر	مجمع فرهنگی و هنری
آذربایجان شرقی	۳۸	۳	۹	۲۶
آذربایجان غربی	۲۳	۰	۳	۲۰
اردبیل	۱۳	۰	۲	۱۱
اصفهان	۴۳	۰	۱۴	۲۹
ایلام	۴	۰	۰	۴
بوشهر	۲۲	۰	۵	۱۷
تهران بزرگ	۱۹	۱	۱۰	۸
چهارمحال و بختیاری	۸	۰	۲	۶
خراسان شمالی	۱	۰	۰	۱
خراسان جنوبی	۹	۰	۴	۵
خراسان رضوی	۲۶	۰	۱	۲۵
خوزستان	۴۵	۰	۰	۴۵
زنجان	۵	۰	۰	۵
سمنان	۸	۰	۲	۶
سیستان و بلوچستان	۲	۰	۱	۱
فارس	۴۸	۰	۱۴	۳۴
قزوین	۲۵	۱۶	۲	۷
قم	۴	۰	۴	۰
کردستان	۱۸	۵	۳	۱۰
کرمان	۴	۰	۳	۱
جنوب کرمان	۵	۰	۰	۵
کرمانشاه	۴	۰	۰	۴

۱. آمار مربوط به دفاتر طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۲.



مناطق / استان‌ها	تعداد کل	تماشاخانه	سینما - تئاتر	مجتمع فرهنگی و هنری
کهگیلویه و بویراحمد	۹	۰	۱	۸
گلستان	۲	۱	۰	۱
گیلان	۲۱	۰	۳	۱۸
لرستان	۵	۰	۵	۰
مازندران	۱۸	۰	۱۸	۰
مرکزی	۸	۰	۰	۸
هرمزگان	۱۴	۱	۳	۱۰
همدان	۹	۰	۰	۹
یزد	۲	۰	۰	۲
کل کشور	۴۶۲	۲۷	۱۰۹	۳۲۶

لازم به ذکر است دولت در سال‌های اخیر اعتباراتی را برای ایجاد مجتمع‌های فرهنگی هنری در کل کشور اختصاص داده از این جهت نتیجه عینی آن را باید از تداوم این تخصیص‌ها و اجرایی شدن طرح‌های مربوطه انتظار داشته باشیم.

۴. اعتبارات دولتی

اعتبارات دولتی برای اجرایی‌سازی برنامه حمایت و گسترش هنرهای نمایشی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ دارای رشدی ۲۰ درصدی بوده است. طبق قوانین بودجه طی این سال‌ها مبلغ ۱,۵۱۸,۷۰۳ میلیون ریال (معادل صدپنجاه و یک میلیارد و هشتصد و هفتاد میلیون تومان) برای حوزه هنرهای نمایشی در نظر گرفته شده، که همه آنها اعتبارات هزینه‌ای بوده است. طبق بررسی به عمل آمده به صورت معمول نزدیک به یک‌پنجم اعتبارات مربوط به کمک‌های بلاعوض دولتی است و مابقی صرف فصول دیگری چون حقوق و دستمزد می‌شود.

جدول ذیل میزان اعتبارات در نظر گرفته شده طی سال‌های یاد شده در بالا را که برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی در نظر گرفته شده، نشان می‌دهد.

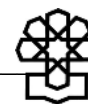
۱. اطلاعات اعتباری مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ به قبل در خصوص هنرهای نمایشی یکسان نبوده و چندان قابل گردآوری نبودند، براین اساس مبنای بررسی اعتبارات را سال ۱۳۸۵ قرار داده‌ایم.

جدول ۵. اعتبارات برنامه حمایت و گسترش هنرهای نمایشی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

سال	میزان اعتبار (به میلیون ریال)	درصد رشد
۱۳۸۵	۱۰۰۸۷۵	-
۱۳۸۶	۱۱۴۶۷۲	۱۲/۰
۱۳۸۷	۱۶۴۹۳۷	۳۰/۵
۱۳۸۸	۱۹۵۸۸۱	۱۵/۸
۱۳۸۹	۲۴۴۱۰۱	۱۹/۸
۱۳۹۰	۳۰۸۳۲۰	۲۰/۸
۱۳۹۱	۳۸۹۹۱۷	۲۰/۹
مجموع	۱۵۱۸۷۰۳	

بخشی از این اعتبارات به چند شیوه حمایتی طبق شیوه‌نامه تشکیل شورای حمایت از آثار نمایشی که توسط معاونت امور هنری وزارت ارشاد از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۵ لازم‌الاجرا شده بود، در اختیار هنرمندان هنرهای نمایشی قرار می‌گیرد،

۱. اختصاص حداکثر هشتاد درصد درآمد حاصل از فروش گیشه،
۲. تأمین بخشی از هزینه‌ها از طریق تخصیص یارانه معین به ازای فروش هر قطعه بلیط به تماشاگران،
۳. در موارد خاص، به منظور تولید و اجرای آثار نمایشی تخصصی، اعطای کمک بلاعوض به‌جای یارانه بلیط حداکثر به میزان هزینه تمام شده،
۴. پیش‌خرید بلیط اثر نمایشی قبل از اولین اجرا، حداکثر معادل مبلغ برآورد هزینه تولید و اجرای اثر نمایشی، به‌منظور توزیع هدفمند آن،
۵. پرداخت تمام یا بخشی از بهای هزینه تمام شده آثار نمایشی از طریق صداوسیما جمهوری اسلامی ایران،
۶. تأمین تمام یا بخشی از بهای هزینه تمام شده آثار نمایشی در اجرای موضوعی و مناسبی،
۷. تأمین امکانات و تسهیلات جنبی مورد نیاز برای اجرای اثر نمایشی توسط تالار یا سالن،
۸. حمایت از تولید و اجرای آثار نمایشی در قبال واگذاری تمام یا بخشی از حقوق (رایت) اثر نمایشی (اجرای صحنه‌ای، نمایش خانگی، تلویزیونی، بین‌المللی و...) به انجمن هنرهای نمایشی ایران برای عرضه در عرصه‌های مربوطه،
۹. حمایت از تولید و اجرای آثار نمایشی به‌صورت اعطای وام قرض‌الحسنه،
۱۰. کمک به مطالعه، تحقیق و نگارش نمایشنامه‌های ارزشمند،
۱۱. کمک به اجاره سالن برای اجرای آثار نمایشی ارزشمند،



۱۲. پرداخت کمک بلاعوض به گروه‌های نمایش حرفه‌ای به شرط اجرای نمایش در استان‌ها. درباره این حمایت‌ها باید به این نکته اساسی توجه شود که سهم هریک از هنرهای مربوط به این برنامه به روشنی مشخص نیست. به‌ویژه آنکه این اعتبارات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا حتی معاونت هنری ابتدا با سایر اعتبارات تجمیع و سپس در سطح کشور توزیع می‌شود.

۵. فعالیت بخش خصوصی

طبق آمار غیررسمی^۱ در حال حاضر در کل کشور در حدود ۳۴۰۰ هنرمند و ۳۷۰ گروه نمایشی در حوزه هنرهای نمایشی شناسایی شده‌اند. فعالیت‌های این بخش بیشتر در ارتباط مستقیم با حمایت‌های دولتی است. چنان‌که هر کار نمایشی حداقل برای تأمین هزینه‌های ساخت، مکانی برای اجرا و نیز امکان عرضه عمومی ناچار از حمایت دولتی و اطاعت از ضوابط و شروط حمایتی دولت است.

در گفتگویی که با چند تن از فعالان حوزه‌های هنرهای نمایشی صورت گرفت چند نکته قابل توجه است:^۲

طبق نظر برخی از دست‌اندرکاران این حوزه چیزی از کل هزینه‌های که برای ساخت انجام می‌شود، در حدود دوسوم آن بازگشتی ندارد. به‌عبارتی اجراهای نمایشی توان جذب مشتری را نداشته و درآمد حاصل از اجرا تنها یک‌سوم هزینه‌ها را برمی‌گرداند.

برخی نیز اعتقاد دارند که آثار هنری خوب در بخش خصوصی و نیز بسیاری از آثاری که جنبه سرگرم‌کنندگی دارند توان کسب درآمد بالاتر از هزینه‌کرد را دارند. به هر حال عوامل مختلفی در موفقیت یا عدم موفقیت اقتصادی هنرهای نمایشی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مواردی چون؛ سطح بازیگران، سطح کارگردان، سالن اجر، محتوا، طراحی صحنه، تبلیغات، زمان و دفعات اجرا اشاره کرد.

لازم به‌ذکر است که دست‌اندرکاران هزینه تقریبی برای تولید یک اثر نمایشی را بین ۳۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان برآورد می‌کنند.

نشان دادن وضعیت موجود اقتصاد هنرهای نمایشی در همین حد قابل انجام بود. بسیاری از بخش‌های دیگر این اقتصاد مانند میزان گردش مالی، سهم بخش خصوصی، هزینه تولید یک نمایش،

۱. طبق اظهارات برخی از کارشناسان بانک اطلاعاتی هنرمندان تئاتر، آمار رسمی و گردآوری شده‌ای از تعداد هنرمندان این حوزه وجود ندارد.

۲. در این خصوص با آقایان یوسف صدیق (استاد دانشگاه و هنرمند)، شهرام کرمی (کارگردان و نویسنده)، نصراله قادری (کارگردان، منتقد، نویسنده و مدرس) و مهدی شفیعی (کارگردان و بازیگر تئاتر) گفتگو به عمل آمد.

دیگر حوزه‌های هنرهای نمایشی به خصوص تعزیه، مبادلات بین‌المللی و...چندان روشن نیست. در ادامه وضعیت سرانه اقتصادی حوزه هنرهای نمایشی به اختصار نشان داده می‌شود:

جدول ۶. نگاهی به وضعیت سرانه اقتصاد حوزه هنرهای نمایشی در کشور

۶۰	سرانه هر هزار ایرانی از سالن‌های نمایش تا نیمه اول سال ۱۳۹۲ (با احتساب جمعیت ۷۵ میلیون نفری)
۱۰/۶	سرانه هر هزار نفر ایرانی از کل تولیدات نمایشی در طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ (با احتساب جمعیت ۷۵ میلیون نفری)
۲۰۵ (میلیون ریال)	سرانه هر هزار نفر ایرانی از بودجه هنرهای نمایشی (با احتساب جمعیت ۷۵ میلیون نفری)
۴۴۶/۶۸ (میلیون ریال)	سرانه هر هنرمند نمایشی از بودجه هنرهای نمایشی (با احتساب جمعیت ۳۴۰۰ نفری آنها)
۳۰۸,۹۸۰ (میلیون ریال)	کل فروش تئاتر در سال ۱۳۹۱

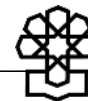
سرانه هر هزار ایرانی از سالن‌های نمایش تا نیمه اول سال ۱۳۹۲ معادل ۰/۰۰۶ سالن بوده است. به عبارتی هر هزار ایرانی یک سالن نمایش هم ندارند.

قیمت بلیط تئاتر در تهران بین ۸ تا ۲۰ هزار تومان است. اگر میانگین آن را برای کل کشور (دست بالا ۱۴,۰۰۰ هزار تومان) در نظر بگیریم، در سال ۱۳۹۱ در مجموع در حدود ۳۱ میلیارد تومان فروش داشته‌ایم. یعنی اندکی (هشت میلیارد تومان) کمتر از بودجه مربوط به برنامه هنرهای نمایشی در قانون بودجه سال ۱۳۹۱.

به عبارتی هزینه نسبت به درآمد بیشتر است. اما، نکته ظریفی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد: طبق گفته‌های کارشناسان و دست‌اندرکاران تئاتر هزینه تولید یک نمایش (که وزارتخانه با آنها قرارداد می‌بندد) بین ۳۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان برآورد می‌شود، ۴۸۹۱ نمایش در سال ۱۳۹۱ تولید شده است، اگر در حد میانگین، ۷۰ میلیون تومان، هزینه یک اثر شود، در این سال ۳۴۲,۳۷۰ میلیون تومان (۳۴۲ میلیارد تومان) کل هزینه انجام شده بابت تولید است.^۱ این در حالی است که ۴,۸۰۰ میلیون تومان از اعتبار برنامه هنرهای نمایشی در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه هنری) نیز قرار گرفته بود که آمار تولیدات نمایشی آن در این گزارش نیامده است. به عبارتی اگر اعتبار حوزه هنری را از مجموع اعتبار در نظر گرفته شده برای برنامه هنرهای نمایشی کم کنیم، می‌ماند ۳۴۱,۹۱۷ میلیون تومان. این اعتبار کل هزینه‌های انجام شده کمتر بوده و محل تأمین هزینه‌های سایر فصول چندان معلوم نیست.^۲

۱. اگر با هزینه ۳۰ میلیون تومانی هم در نظر گرفته شود کل هزینه می‌شود ۱۴۷ میلیارد تومان.

۲. برای بررسی دقیق‌تر آمار و اطلاعات دقیق‌تر نیاز است.



به صورت خلاصه:

سی و هشت میلیارد اعتبار، سی میلیارد فروش، سیصد و چهل و دو میلیارد هزینه تولید.

چالش‌ها

وضعیت مذکور به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر چند عامل است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ضعف تئوریک در مورد اقتصاد هنرهای نمایشی (مبتنی بر اشخاص بودن استراتژی‌ها)

این ضعف شامل کل حوزه فرهنگ و هنر می‌شود، اما در هنرهای نمایشی از شدت بیشتری برخوردار است. متأسفانه اکنون که بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد، هنوز پاسخ روشن و محکمی مبنی بر اینکه «آیا می‌توان از حوزه فرهنگ و هنر چشم داشت اقتصادی (با تأکید بر ارزش سود) داشت؟» ارائه نشده است. این فقدان سبب شده است تا در هر دوره سیاستگذاری فرهنگی هنری، نگاه شخص یا اشخاص ملاک عمل باشد. چنان‌که در برنامه چهارم در چند ماده تأکید بر اقتصاد فرهنگ و هنر می‌شود، اما در برنامه پنجم هیچ اثری از آن نیست و در گوشه و کنار بر «سکولاریته بودن»^۱ مواد سابق تأکید می‌شود. حتی این موضوع نیز سبب شده که روشن نشود که «آیا آثار فراهم آمده در حوزه فرهنگ و هنر را می‌توان به عنوان «کالا» در نظر گرفت؟». همه این موضوعات باعث شده، تا از جنس اقتصادی دانستن فرهنگ و هنر به صورت عام و هنرهای نمایشی به صورت خاص، میان سیاستگذاران، مدیران، دست‌اندرکاران و حتی پژوهشگران، تردید جدی وجود داشته باشد و ادبیات تئوریک بومی شده‌ای نیز خلق نشود، زیرا تجربه‌ای جدی در کشور هنوز صورت نگرفته است. به همین منوال دیده می‌شود که در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی حوزه فرهنگ از این قانون مستثنا می‌شود و تاکنون (نیمه اول سال ۱۳۹۲) نیز لایحه‌ای در این مورد تهیه نشده است.^۲

۱. از سخنان آقای پرویز داودی معاون اول رئیس‌جمهور در آذرماه ۱۳۸۶.

۲. طبق تبصره «۲» بند «ج» ماده (۳) این قانون، هرگونه توسعه توسط بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین هرگونه واگذاری به بخش غیردولتی در حوزه فرهنگ منوط به تهیه و تنظیم لایحه‌ای جداگانه است.

۲. عدم تناسب میان سیاست‌ها و اهداف کلان

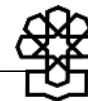
نامعین بودن تئوری حاکم بر صنعت فرهنگ و هنر باعث شده است که اتخاذ سیاست‌ها چندان تناسبی با اهدافی که در اسناد بالادستی وجود دارد، نداشته باشد. درحالی که سندی مانند سند چشم‌انداز بر اول شدن در منطقه به لحاظ اقتصادی و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل تأکید دارد، قوانین و مقرراتی در حوزه فرهنگ و هنر و به صورت خاص در حوزه هنرهای نمایشی وجود ندارد، که نشان‌دهنده تغییری متناسب با اهداف سند در جایگاه این حوزه از فرهنگ و هنر برای به نتیجه رساندن این اهداف باشد.

۳. نبود سازوکار مناسب برای شناخت ابعاد صنعت هنرهای نمایشی

به دلیل آنکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان وزارتخانه تخصصی نمی‌تواند بر همه فعالیت‌های صورت گرفته در این حوزه ورود داشته باشد، از ایجاد یک مختصات روشن از فرآیندها و فعالیت‌های آن برای سیاستگذاران ناتوان است. همچنین دیگر دستگاه‌های نظارتی که در همه ابعاد آن درگیر نیستند نیز نمی‌توانند به تصویر درستی از آن دست یابند. دلیل این امر را از چند نگاه می‌توان بررسی کرد؛ برخی از گونه‌های هنری در فهرست نظارتی قرار ندارد و یا امکان نظارت بر آنها وجود ندارد، برای مثال برخی گونه‌های هنرهای نمایشی در عرصه‌های عمومی، مانند تالارهای غیرهنری، بیشتر به صورت موردی و آن هم توسط نیروی انتظامی نظارت می‌شود، تا نهادهای ناظر فرهنگی. نکته دیگر آنکه آمارهای ارائه شده به شدت ناقص و مبتنی بر فعالیت‌های حوزه نظارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و منبع آماری متمرکزی که آثار اجرا شده همه دستگاه‌ها را دربرگیرد، وجود ندارد.

۴. ضعف زیرساخت‌ها

از چالش‌های قابل توجه در حوزه هنرهای نمایشی ضعف زیرساخت‌ها در این حوزه است. استودیوهای تولید، تجهیزات و ابزارآلات تولید و توزیع و سالن‌های نمایش در حد چندان قابل قبولی قرار ندارد. غالب سالن‌های نمایشی به صورت غیرتخصصی بوده و تنها به چند سالنی که ذکر آنها در بخش دوم آمد، بقیه سالن‌ها به صورت چندمنظوره بوده و فعالیت‌های تولیدی را با محدودیت‌هایی بیشتر روبرو می‌کند.



۵. کم بودن تعداد مخاطبین تئاتر به عنوان مشتری

شاید یکی از دلایل اصلی وابستگی تئاتر به دولت ضعف در جذب مخاطب، به عنوان مشتری برای آن باشد. تعداد مخاطبین این هنر در مقایسه با دیگر هنرها مانند سینما و موسیقی رقم بسیار پایینی است. لذا این امر خود یک مسئله در مقوله هنرهای نمایشی به حساب می آید که عوامل مختلفی را می توان بر آن مؤثر دانست؛ از آن جمله، عدم بسترسازی آموزشی مناسب و در نتیجه کم آگاهی مردم از این هنر است. این کم آگاهی فرهنگی که ناشی از کم کاری دستگاه های آموزشی و ترویجی است، منجر به عدم پیوند مناسب مخاطبین عام با این هنر ارزشمند می شود و سالن های نمایش در روزهای غیر جشنواره تنها محل حضور قشر خاص بسیار علاقمندی است که تعداد آنها نیز محدود می باشد. اگر چه بخشی از این مسئله مربوط به بیرون از حوزه تئاتر است، اما خود آثار ارائه شده نیز با هویت و فرهنگ مخاطب ارتباط مناسبی برقرار نمی کنند و جذابیت مناسب را فراهم نمی آورند. این در حالی است که تعزیه به عنوان یکی از گونه های نمایشی، با آنکه صرفه اقتصادی داشتن در آن بسیار پایین است، به دلیل برخورداری از مضامین مناسب فرهنگی - اعتقادی، با استقبال خوب مخاطبان مواجه می شود.

۶. پایین بودن سوددهی در حوزه هنرهای نمایشی

یکی از مهمترین چالش های موجود در صنعت این حوزه، پایین بودن بازدهی سرمایه گذاری است. به دلیل عدم موازنه منابع تزریق شده بخش عمومی به بخش های دارای فعالیت با قابلیت و (مهمتر از آن) آمادگی برای جبران حمایت عمومی، این حوزه ها کمتر مورد عنایت قرار می گیرند. این امر برای تزریق بودجه در کشور ما نیز وجود دارد. اعتبارات تعلق گرفته شده به حوزه فرهنگ و هنر و به صورت خاص هنرهای نمایشی نسبت به اعتبارات دیگر حوزه ها و حتی در قیاس میان این هنر با سایر هنرها، مانند سینما، رقم بسیار پایینی است. زیرا نگاه اقتصادی به بخش هایی مانند حوزه هنرهای نمایشی که در شرایط موجود عایدات مالی از آنها بسیار ناچیز است، کمک بگیرانه است و در دادن کمک هم چندان دست بخشنده ای وجود ندارد.

۷. کم بودن تنوع فرهنگی در گذران اوقات فراغت

وجود ویژگی های اجتماعی و فرهنگی خاص در زمینه اوقات فراغت و تفریحات، تنوع چشمگیری را در گذران این اوقات نشان نمی دهد و هنوز به توسعه فرهنگی و اجتماعی بیشتری در این زمینه نیازمندیم. به عبارتی آنچنان که صنعت تفریحات^۱ در کشورهای دیگر، شکل و توسعه یافته، در

کشور ما شاهد این‌گونه توسعه‌یافتگی نیستیم. هرچند اقداماتی در گوشه و کنار برای ایجاد مجتمع‌های فرهنگی - تفریحی مشاهده می‌شود، اما با آنچه در آن کشورها وجود دارد، فاصله زیادی دارد. هم‌نشینی هنر تئاتر با دیگر هنرهای نمایشی در یک نهاد، خود دلیل روشنی بر محدود بودن مختصات هنرهای نمایشی است، زیرا در کشورهای مختلف هنرهای نمایشی در گونه‌هایی چون سیرک، پرفورمانس و... شرایط کاملاً متفاوتی را شاهد هستیم به شکلی که صنعت هنرهای نمایشی به میزان صنعت تئاتر و یا حتی فراتر از آن رونق دارد.

از سویی دیگر بسیاری از الگوهای سنتی تفریحی که بخشی از آنها با هنرهای نمایشی ارتباط داشت (مانند بازی‌هایی که به شکل نمایش انجام می‌شد) از بین اجتماعات ما رخت بر بسته است.

۸. نبود فضای مناسب برای اثرگذاری هنرهای نمایشی

حیطه اثرگذاری هنرهای نمایشی در جامعه در حد مناسبی قرار ندارد که بتواند به‌عنوان یک هنر، ابزار و یا رسانه عمل نماید. بخشی از این مسئله به ویژگی‌های هنری خود هنرهای نمایشی مربوط می‌شود و برخی دیگر به تغییرات مختلف تکنولوژیک مرتبط می‌باشد. غالباً نیز سیاستگذاران رسانه‌ای و فرهنگی برای هنرهای نمایشی در بُرد عمومی جایگاه پایین‌تری به نسبت سینما قائل هستند. به عبارتی هنرهای نمایشی همیشه مورد توجه نیست تا به‌عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف سیاسی و فرهنگی بهره‌برداری شود.

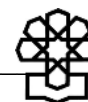
۹. تأثیر عوامل غیر پولی و مادی بر تصمیم‌گیری شغلی

«برخی گروه‌ها مانند هنرمندان از خود فرآیند کار نیز لذت می‌برند، نه صرف درآمد حاصل از آن»^۱. لذا صرف توجه به درآمد چندان محلی از توجه نیست. بسیاری از هنرمندان کار هنری خود را تنها به خاطر لذت‌بخش بودن و ارضای شخصی به‌عنوان پیشه در نظر می‌گیرند و کمتر در پی کسب مال و تجارت با هنر هستند. به همین دلیل ورود این‌گونه هنرمندان به چرخه اقتصاد چندان معنایی ندارد و انتظار درآمدزایی و شغل‌آفرینی آنان که در اقتصاد به حساب آید، بیهوده است.

۱۰. مشتریان خاص داشتن تئاتر

اگر از هنرپیشگان تئاتر که از طبقات مختلف اجتماعی هستند، بگذریم، افراد خاص برخوردار از سطوح درآمدی بالاتر در جامعه برای بهره‌گیری از آثار تولید شده در سالن‌ها و تالارها مشاهده

۱. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی: اقتصاد فرهنگ و هنر و مطالعه آن در ایران، ص ۲۶.



می‌کنیم. به همین دلیل «انتظار می‌رود که تقاضا برای هنرهای نمایشی [تئاتر] نسبت به درآمد حساسیت بیشتری داشته باشد، زیرا برخی از هنرهای نمایشی را کالای لوکس می‌توان تلقی کرد که با موقعیت اجتماعی و تمایلات طبقه مرفه جامعه به مصرف تفاخر آمیز مناسبت دارد. این همان پدیده شب‌های اول است که در آن حاضران بیشتر علاقمند به تماشای یکدیگرند تا آنچه در صحنه نمایش داده می‌شود و این امر در بسیاری از کشورها متداول است»^۱. بی‌جهت نیست که آثار هنرهای نمایشی غالباً در شهر تهران و در میان اقشار خاص مشتری بسیار بیشتری دارد. اما در دیگر انواع هنرهای این خاصگرایی دگرگون شده و همه مردم را می‌توان دید. برای مثال تعزیه از آن‌گونه از هنرهای نمایشی است که طبقات مختلف اجتماعی را به خود جذب کرده است.^۲ به تعبیر یکی از کارشناسان این حوزه «هنرمندان تئاتر پیغمبری هستند که امت ندارند».

۱.۱. وابستگی تولید هنرهای نمایشی به دولت

هنر تئاتر به دلیل وجهه فرهنگی - هنری خود از اهمیت خاصی برخوردار است. این هنر برخلاف دیگر گونه‌ها از امکان سوددهی کمتری برخوردار است و توجیه اقتصادی مناسبی برای هنرمندان آن ندارند. همچنین به دلیل نبود ساختار سازمانی خصوصی در آنها، چه در عرصه تولید و رقابت و چه در عرصه اجرا و عرضه، به صورت قابل توجهی نیازمند کمک‌های دولتی است. بخشی از اعتبارات مربوط به مرکز هنرهای نمایشی برای حمایت مستقیم از گروه‌های نمایشی در اختیار مؤسسات مربوطه قرار می‌گیرد، تا به آنها در تولید کمک کند. هرچند ارزشمندی این عمل قابل انکار نیست، اما این امر استقلال این هنر را تحت الشعاع قرار داده و بالندگی مناسب هنری و تعهد درونی هنرمندان آنها را خدشه‌دار خواهد کرد.

۱.۲. نامتناسب بودن توزیع ابزارهای تولید و عرضه در کشور

با همه تلاش‌های صورت گرفته، بنا به دلایل مختلفی امکانات مورد نیاز برای فعالیت‌های فرهنگی به صورت متوازن در کل کشور توزیع نشده است. در حالی که بسیاری از بزرگان هنری امروز ما از شهرستان‌ها آمده‌اند و در شهرهای بزرگی چون تهران، به دلیل وجود منابع و امکانات لازم ساکن شده‌اند، شهرستان‌ها در ضعف شدید فعالیت‌های هنری به سر می‌برند. البته اقتضائات فرهنگی در این مناطق فعالیت‌های هنری را به حاشیه برده و کمبود امکانات مزید علت شده است.

1. Throsby, David, "The Production and Consumption of the Arts: a View of Cultural Economics", Journal of Economic Literature, March, 1994, p. 8.

۲. نصراله قادری، در گفتگویی با ایشان.

۱۳. عدم توجه به نیاز مشتریان

به‌رغم غنی بودن منابع امروزی و گذشته فرهنگی در کشور، فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌های موجود (به‌صورت خاص) سعی در بازسازی نمایشنامه‌های کلاسیک غربی شده‌اند، یا بر محورهای کلیشه‌ای (بجز مواردی خاص) که گاه مطلوب غرب هم هست چرخش کرده و تلاشی برای خلق کلاسیک ایرانی - اسلامی صورت نمی‌گیرد. این مسئله بر میزان تماشاگران و مخاطبین هنر اثر منفی گذاشته و در عرصه‌های بین‌المللی نیز هویت‌بخشی مناسبی از هنر بومی صورت نمی‌پذیرد. همچنین باعث خواهد شد تا هنر بیش از پیش تنیده در محیط خودساخته شده و با پیچیده‌تر شدن، دسترسی مردم را دورتر کند.

۱۴. نامتناسب بودن آموزش هنر

ضعف نیروی حرفه‌ای آموزش‌دیده تولیدی در صنعت هنرهای نمایشی یکی از مصائب آن به‌شمار می‌آید. به‌دلیل آنکه هنرهایی چون هنرهای نمایشی که جایگاه چندان مناسبی در ساختار اقتصادی کشور نداشته و ارتباط مناسبی میان فرهنگ ایرانی - اسلامی و این هنر برقرار نشده و الگوهای مناسبی برای آن در میان ارزش‌های فرهنگی کشور شکل نگرفته، در کتب و دروس آموزشی نیز از جایگاه قابل قبولی برخوردار نیست. اگر از چند هنرستان و دانشکده که غالباً با توجه به تولیدات آموزشی صنعت هنری غرب هنرمند پرورش می‌دهند، بگذریم، آموزشگاه‌های آزاد نیز چندان سخنی برای گفتن ندارند. هرچند تلاش‌هایی توسط برخی مراجع حاکمیتی، مانند حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، در تربیت نیروی حرفه‌ای هنری مبتنی بر الگوهای فرهنگی بومی انجام می‌پذیرد، با این شرایط برای تأمین نیروی فی‌الواقع «متعهد» و «متخصص» به‌عنوان یک ایدئال، راه درازی در پیش است.

۱۵. ضابطه‌مند نبودن در اختیارگذاری سالن

سالن‌های نمایش تنها محلی هستند که برای عرضه تولیدات نمایشی به این هنر معنای حرفه‌ای می‌دهند (با در نظر داشتن تئاتر خیابانی و تله تئاترها). چنان‌که نشان داده شد تعداد سالن‌های مناسب برای نمایش محدود است. این محدودیت باعث شده تا همه اجراها امکان بهره‌مندی از این سالن‌ها را نداشته باشند. این امر سبب شده تا برخی از فعالان از این موضوع دلخور بوده و عدم توفیقات اقتصادی را به آن نسبت بدهند و توفیقات دیگران را برآمده از وجود ضعف‌ها و خلأهای مقرراتی حاکم بر بهره‌گیری از این سالن‌ها برمی‌شمارند.



مجموع چالش‌های ذکر شده برآیندی از اقدامات انجام شده و انجام نشده در اقتصاد فرهنگ است. به عبارتی مجموعه‌ای از عوامل (در داخل و خارج از دولت) دست در دست هم داده‌اند تا این چالش‌ها سبب شوند اقتصاد هنرهای نمایشی نقش قابل توجهی را در اقتصاد ملی و حتی در درون خود ایفا نکند.

این درحالی است که اسناد راهبردی و سیاستی موجود در کشور بیانگر جهت‌گیری مثبتی است. با نگاهی به این منابع تصمیم‌گیری برای صنعت هنرهای نمایشی، چنین می‌توان استنباط کرد که متولیان کلان و خرد فرهنگ و هنر کشور نگاه روشنی از وضعیت مطلوب فرهنگ و هنر کشور و به صورت خاص هنر ارائه کرده‌اند که هم به لحاظ حمایتی و هم زیرساختی می‌توان اقدامات پیش‌بینی شده بسیاری را مشاهده کرد. اما اینکه بتوانیم چشم‌انداز اقتصاد فرهنگ و به صورت خاص هنرهای نمایشی، را در آینده ترسیم کنیم نیاز به بازبینی مجدد در این منابع داریم. این رویکردها تاحدودی جهت‌گیری‌های اقتصاد فرهنگ و هنر را نشان می‌دهند و وظایف دولت و به عبارتی حاکمیت، برای دستیابی به وضعیت مطلوبی از این اقتصاد را برشمرده است. این رویکردها را می‌توان در نکات زیر خلاصه کرد:

۱. حفظ جایگاه ارزشمند هنر، حمایت از هنرمندانی که کار هنری آنها بازده مالی مناسبی ندارد.^۱
۲. کمک هنر برای رسیدن به جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.^۲
۳. ارائه برنامه‌هایی برای کمک به رونق اقتصاد فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی.^۳
۴. به عمل آوردن حمایت‌های لازم از بخش غیردولتی اعم از حقیقی و حقوقی در مورد برنامه‌های اجرایی هنری و طراحی، تولید، توزیع، انتشار و صدور خدمات و محصولات هنری و نیز توسعه تولیدات و فعالیت‌های هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای.^۴
۵. ارائه انواع حمایت‌ها از مراکز و فعالیت‌ها.^۵

۱. در دیدار صدها تن از اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه، ۱۳۸۰/۵/۱.

۲. سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی که در تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد.

۳. ماده (۱۰۴) قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ - ۱۳۸۹.

۴. ماده (۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ - ۱۳۹۴.

۵. اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب نهایی در ۱۳۷۱/۵/۲۰.

۶. تشویق سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم و تضمین حقوق سرمایه‌گذاران.^۱
۷. تأمین مواد اولیه و تقویت صنایع تولید مواد و ملزومات فرهنگی و هنری.^۲
۸. سازماندهی بازار، ترویج محصولات و اصلاح شبکه توزیع.^۳
۹. حمایت قانونی از حقوق معنوی آثار هنرمندان.^۴
۱۰. فراهم‌آوری شرایط مادی و معنوی لازم برای تولید نمایش و ایجاد مکان‌های نمایش در سراسر کشور.^۵
۱۱. یاد کردن از نارسایی در رویکرد اقتصاد فرهنگ و هنر کشور به‌عنوان یک آسیب ناشی از اشکالات و ویژگی‌های ساختاری.^۶
۱۲. اشتغال و طبقه‌بندی آنها.^۷
۱۳. حمایت‌های مالیاتی و گمرکی.^۸
۱۴. تقویت و ایجاد تأسیسات و مراکز فرهنگی و هنری موجود.^۹
۱۵. استفاده از فناوری‌های جدید.^{۱۰}
۱۶. کمک به افزایش تولیدات هنری.^{۱۱}
۱۷. حمایت قانونی.^{۱۲}
۱۸. ایجاد ثبات مالی برای برنامه‌ریزی بلندمدت.^{۱۳}
۱۹. استفاده از امکانات بانک‌ها و بنیادهای مالی.^{۱۴}
۲۰. حمایت از اشتغال هنرمندان در بخش خصوصی.^{۱۵}

۱. همان، بند «۴».

۲. همان، بند «۸».

۳. همان، بند «۱۰».

۴. قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان.

۵. سیاست‌های هنرهای نمایشی.

۶. سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی.

۷. آیین‌نامه تشکیل شورای ارزشیابی هنرمندان هنرهای سنتی و ...

۸. اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب نهایی در ۱۳۷۱/۵/۲۰، بند «۳۳».

۹. سیاست‌های حمایت از اشتغال هنرمندان، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ به پیشنهاد شورای هنر.

۱۰. همان.

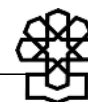
۱۱. همان.

۱۲. همان.

۱۳. همان.

۱۴. همان.

۱۵. همان.



۲۱. توسعه صادرات و ایجاد بازار در داخل و خارج از کشور.^۱

۲۲. تقویت ارتباط هنر و صنعت.^۲

۲۳. ایجاد کارگاه‌های هنری.^۳

۲۴. حمایت از فعالیت‌های آزاد.^۴

۲۵. خرید آثار هنری در دستگاه‌های دولتی.^۵

۲۶. اختصاص کالا برگ مصرف فرهنگی.^۶

۲۷. ایجاد تغییر در رویکرد حمایت از تولیدکننده به مصرف‌کننده.^۷

۲۸. تقویت بنیه‌های علمی و فناوری عرصه‌های هنر.^۸

این نکات نشان‌دهنده رویکرد همه‌جانبه و مناسب برای رونق اقتصاد هنرهای نمایشی است. از این جهت حاکمیت تلاش کرده سیاست‌های مناسبی برای آن در نظر بگیرد که از چند جنبه قابل توجهند:

- حفظ جنبه فرهنگی - هنری تولیدات هنری،

- ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای تولید و توزیع آثار هنری،

- حمایت‌های مختلف حقوقی، مالی، گمرکی، مالیاتی و... از سوی دولت،

- امکان نقش‌آفرینی هنر در عرصه‌های غیرفرهنگی.

بر مبنای این رویکردها جایگاه دولت به‌عنوان عامل اصلی در عرصه‌های مختلف اقتصاد هنر بسیار پررنگ است. البته این وضعیت همچنان‌که در برخی از قوانین و مقررات ذکر شده مانع از حضور و مشارکت مستقیم بخش خصوصی نیست.

در مجموع باید گفت که از یکسو وضعیت اقتصاد هنرهای نمایشی بسیار ضعیف است و این درحالی است که مقررات موجود نشانگر وجود زمینه مناسبی برای گردش چرخه این اقتصاد است. لذا می‌توان گفت که بخشی از چالش‌های موجود ناشی از عدم اجرایی شدن قوانین و مقررات موجود است. هرچند اسناد بالادستی مثل سند چشم‌انداز و سیع‌تری را از اقتصاد فرهنگ و هنر ایجاد کرده که نیاز به توجه است.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

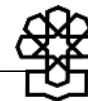
۸. همان.

راهکارها و پیشنهادهای

پیش از ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای توسعه اقتصاد هنرهای نمایشی مروری بر نقاط قوت و ضعف موجود در این هنر نشان می‌دهد که نقاط قوت بسیاری در کشور وجود دارد که به ما امکان تقویت اقتصاد هنرهای نمایشی را می‌دهد. نقاط قوت‌هایی چون: برخورداری از منابع غنی برای محتواهای نمایشی، وجود پایه‌ها و مبانی دینی - مذهبی و ملی برای هنرهای نمایشی، برخورداری از مزیت‌های خاص فرهنگی و هنری ایرانی در سطح جهان، حضور نیروی جوان مناسب و با استعداد در کشور، وجود مراکز آموزشی مختلف دولتی و غیردولتی هنری و... که شناخت آنها برای مواجهه مناسب با چالش‌هایی که برشمرده شد، ضروری خواهد بود.

از سوی دیگر در ساختار فعلی، سیاست‌های فرهنگی بیشتر معطوف به حضور پررنگ دولت در حوزه هنرهای نمایشی است. با توجه به این رویکرد برخی از راهبردهایی که می‌تواند برای رونق و تقویت اقتصاد فرهنگ و به خصوص هنرهای نمایشی در سال حماسه اقتصادی مورد توجه قرار بگیرد در ذیل ارائه می‌شود. هرچند همه این وظایف برعهده مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم نیست، اما می‌توان انتظار داشت که در تدوین قوانین آینده و یا هنگام نظارت بر عملکرد دستگاه‌های ذیربط، این موارد را مورد نظر داشت.

- ایجاد سیستم متمرکز گردآوری اطلاعات و داده‌های مربوط به صنعت هنرهای نمایشی،
- تعیین تئوری مناسب اقتصادی برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری، با حفظ و صیانت از محتواهای فرهنگی و هنری،
- توجه به منابع غنی دینی و ملی برای تولید آثار هنری که مورد توجه مخاطبان گسترده‌تری نیز قرار گیرد،
- قائل شدن شأن و جایگاه مناسب برای هنرهای نمایشی در توسعه اقتصادی و افزایش سرانه ملی،
- هدایت کمک‌های دولتی به سمت توسعه زیرساخت‌های مربوط به صنعت هنرهای نمایشی، به عبارتی؛ به جای کمک‌های بلاعوض به گروه‌ها و دسته‌های نمایشی، روی آوردن به توسعه و تجهیز سالن‌های نمایشی با رویکرد مناسب‌سازی و در اختیار گروه‌ها و دسته‌ها قرار دادن،
- تمرکززدایی فعالیت‌ها از شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران و توزیع مناسب ابزار و تجهیزات صنعت هنرهای نمایشی در کل کشور و کمک به پرورش استعداد‌های موجود در شهرهای کوچک،
- نظارت و توجه جدی‌تر به اجرایی‌سازی مصوبات مختلفی که بر رونق صنعت تئاتر و به صورت عام هنرهای نمایشی دلالت دارند،
- متناسب‌سازی هنرهای نمایشی مرسوم در کشور با شرایط قابل عرضه در سطح بین‌المللی در جهت دیپلماسی فرهنگی.

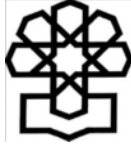


منابع و مآخذ

۱. سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.
 ۲. قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
 ۳. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ - ۱۳۹۴.
 ۴. اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
 ۵. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
 ۶. بیانات رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران
 ۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سالنامه آماری فرهنگ و هنر، سال ۱۳۸۸.
 ۸. گزارش‌های آشنایی اجمالی با سیاستگذاری در حوزه هنر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
 ۹. یافته‌های طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور: فضاها و فرهنگی ایران (آمارنامه مؤسسات و گروه‌های هنری)، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
 ۱۰. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی.
 ۱۱. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی: اقتصاد فرهنگ و هنر و مطالعه آن در ایران.
 ۱۲. قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۹.
 ۱۳. پیش‌طرح مربوط به گستره پژوهشی اقتصاد هنر و شاخه‌های مختلف آن، مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع).
 ۱۴. صادقی، قطب‌الدین. اقتصاد تئاتر ایران، مجله هنر، ش ۳۴، زمستان ۱۳۶۷.
 ۱۵. آدورنو، تئودور. نگاهی دوباره به مفهوم صنعت فرهنگ‌سازی، ترجمه شهریار وقفی‌پور، مجله زیباشناخت، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۸.
16. Throsby, David, "The Production and Consumption of the Arts: a View of Cultural Economics". *Journal of Economic Literature*. March. 1994.
17. Unescompress, N 2005 - 153. www.Portal.unesco.org.

Iranculture.org

khamenehi.ir



شماره ۵ مسلسل: ۱۳۴۰۳

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اقتصاد فرهنگ در ایران (هنرهای نمایشی)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه هنر و رسانه)

تهیه و تدوین: ابراهیم غلامپور آهنگر

ناظر علمی: سینا کلهر

مقتضای: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

ویراستار تخصصی: ———

ویراستار ادبی: ———

واژه‌های کلیدی:

۱. اقتصاد فرهنگ

۲. اقتصاد هنر

۳. هنرهای نمایشی

۴. تأثیر

۵. اقتصاد ملی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۰/۷